

و هر خصوصیت از خصوصیات طبایع موجود در خارج که آنها را از یکدیگر متمایز میسازد قسمی از اقسام طبیعت لا بشرط میباشد: مثلاً طبیعت زید با طبیعت حسن و با طبیعت جعفر و غیره متمایز است (و هر یک قسمی از اقسام طبیعت انسان که طبیعت لا بشرط است میباشد) و مقسم با هر یک از اقسام خود متحد است: یعنی وجود طبیعت انسان عین وجود زید و حسن و جعفر و غیره است زیرا وجود حقیقی براساس تحقق طبیعت واسطه در عروض است نه واسطه در ثبوت یعنی این طور نیست که وجود حقیقی منشأ اقسام طبیعت بصفت وجود باشد: چنانکه آتش مثلاً منشأ اقسام آب است بصفت گرمی زیرا آتش و آب هر یک بالاستقلال در خارج وجود دارند ولی وجود حقیقی و طبیعت اینطور نیستند بلکه در خارج بیک وجود موجودند

در پایان مقدمه \times منطق برای باز شدن ذهن خوانندگان معنی و اقسام واسطه در ثبوت و واسطه در عروض را بیان می‌نمائیم تا هر جا بگذرد این دو اصطلاح نیازمند شدیم خواننده مقصود را بیدرنگ دریابد و بشرح و بسط بسیار محتاج نگردیم: که فایده وضع اصطلاح همان صرفه جوئی در لفظ است و با این شیوه از لفظ کم معنی بسیار گرفته می‌شود

✽ واسطه در ثبوت ✽

واسطه در ثبوت دو معنی اصطلاحی دارد:

۱ - واسطه در ثبوت (مقابل واسطه در اثبات) و آن عبارت است از علت واقعی نسبت ایجابی یا سلبی در قضیه‌ئی که میخواهیم آنرا با برهان اثبات کنیم مثلاً اگر بخواهیم قضیه «عالم حادث است» یا «عالم قدیم است» را با برهان اثبات نمائیم اگر پس از تفکر به علت واقعی حدوث عالم یا قدم آن پی بردیم آن علت را واسطه در ثبوت خوانند پس واسطه در ثبوت یعنی علت واقعی (و نفس الامری) هر حکمی: چه مثبت باشد چه منفی

✽ واسطه در اثبات ✽

مقابل واسطه در ثبوت واسطه در اثبات است: و آن علت معلوم هر حکمی است یعنی علتی که متعلق علم ما واقع شده خواه علت واقعی باشد خواه نباشد یا علتی که

فلان فیلسوف گفته یا در فلان کتاب آمده و فعلا ما آنرا قبول داریم بدیهی است اگر از ما پرسند شما این علتی را که برای این حکم می گوئید نسبت بآن قطع بواقعیت دارید و آنرا علت نفس الامری می دانید در این مورد است که می گوئیم ما در مقام ثبوت نیستیم (یعنی نمیخواهیم در علت واقعی حکمی که می گوئیم تحقیق کنیم) بلکه در مقام اثباتیم. یعنی چون خصم نیز قائل باین علت است و این حکم را با استناد این علت پذیرفته ما هم آنرا مقدمه قرار می دهیم و در برهان از آن استفاده می کنیم تا مطلب خود را اثبات کنیم (اینست که می گوئیم ما در مقام اثباتیم نه در مقام ثبوت)

﴿ واسطه در ثبوت با اصطلاح حکیم ﴾

حکما در مقابل واسطه در عروض که شرحش را خواهیم گفت اصطلاحی بنام واسطه در ثبوت دارند و آن اینست که چیزی خود منشاء اتصاف چیز دیگر باشد بصفتی مثلا آتش خود منشاء اتصاف آب است بگرمی بنابراین وقتی که می گوئیم « آب گرم است » اگر واسطه در ثبوت گرمی برای آب و بعبارت ساده تر علت گرمی آب، آتش باشد خود آتش است نه امری که بر آتش عارض شده یعنی اینطور نیست که گرمی آتش بر آتش عارض شده باشد و سپس آتش آب را گرم کرده باشد لذا آتش را در اینجا واسطه در ثبوت مینامند که برای ثبوت گرمی برای آب واسطه شده است

﴿ واسطه در عروض ﴾

خواننده هوشیار میتواند دریابد که واسطه در عروض چیست؛ زیرا چنانکه اشاره کردیم این دو واسطه مقابل یکدیگرند پس واسطه در عروض خود منشاء اتصاف چیزی بصفتی نیست بلکه منشاء اتصاف امری است که بر واسطه عارض شده؛ مثلا کشتی، مسافران را بجنبش میآورد ولی منشاء اتصاف مسافران بجنبش، خود کشتی نیست بلکه حرکت کشتی است که بر کشتی عارض شده لذا کشتی را واسطه در عروض حرکت برای مسافران مینامند.

﴿ اقسام واسطه در عروض ﴾

واسطه در عروض بر سه گونه است:

۱ - واسطه در وجود متباین وجود باشند چنانکه در مثال بالا کشتی و حرکت دارای دو وجود متباین هستند یعنی کشتی غیر از حرکت و حرکت غیر از کشتی است.